



Shiraz University
RICeST
ISC

ISSN: 2008-7926

Journal of

Legal Studies

Scientific

Vol. 18, Issue 1, Spring 2026

JLS

Journal of Legal Studies

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2025.52055.5253>



Research Article

An Analysis of Abuse of Process through Corporate Restructuring in International Investment Disputes under the ICSID Convention

Mohammad Javad Abdollahi^{1*}, Mohammad Karimi²

1. Assistant Prof., Department of Law, Kho.C., Islamic Azad University, Khomeinishahr, Iran

2. PhD Student Of Private Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Article history:

Received: 03-01-2024

Accepted: 06-04-2024

Abstract

Introduction

Bilateral investment treaties are designed to foster mutual economic cooperation and protect foreign investments. However, these treaties are sometimes exploited by investors—whether individuals or corporations—who are not originally entitled to their protections. One prominent method of such exploitation is corporate restructuring, undertaken specifically to gain access to treaty benefits. The ICSID Arbitration Tribunal has encountered multiple cases involving such tactics and has, in several decisions, emphasized its unwillingness to entertain jurisdiction where it finds an abuse of process. Such practices undermine the core objectives of the ICSID Convention, particularly the promotion of genuine international investment and sustainable development in host countries. This paper seeks to provide a detailed legal analysis of process abuse, especially through corporate restructuring. It evaluates the criteria used by ICSID tribunals to identify and respond to such abuse and aims to shed light on how international legal mechanisms can preserve the integrity of investment arbitration.

Please cite this article as:

Abdollahi, M.J., Karimi, M (2026). An Analysis of Abuse of Process through Corporate Restructuring in International Investment Disputes under the ICSID Convention. *Journal of Legal Studies*, 18(1), 279-318. <https://doi:10.22099/JLS.2025.52055.5253>.

* Corresponding author:

E-mail address: dr.abdollahi@iau.ac.ir

Methods

This study employs both doctrinal (library-based) research and qualitative analysis using questionnaires. First, the legal concept of abuse of process is explained and distinguished from the closely related concept of abuse of rights. The paper then examines how abuse of process can be realized through corporate restructuring and reviews legal responses to this issue. Finally, the role of good faith and other key legal principles in preventing abuse is assessed, providing insight into how tribunals evaluate such cases and maintain fairness in international investment arbitration.

Findings

Through detailed analysis, the paper finds that corporate restructuring carried out with the sole purpose of accessing treaty protection constitutes a violation of the international principle of good faith. Such actions are often viewed as circumventing the legitimate objectives of BITs, which include encouraging foreign investment, ensuring fair treatment of investors, and contributing to the economic development of host states. ICSID tribunals, aligning with scholarly views and arbitral precedents, have consistently refused to recognize jurisdiction in cases where claimants restructure merely to benefit from treaty protections they were not originally entitled to. These tribunals have identified specific jurisdictional criteria—personal jurisdiction, temporal jurisdiction, subject matter jurisdiction, and consent—which must all be satisfied for a claim to proceed. When claimants fail to meet even one of these criteria, particularly in situations involving strategic restructuring close to the emergence of a dispute, their claims are typically dismissed. This has led to a growing body of case law supporting host states' objections based on abuse of process.

Conclusion

In light of the absence of a clear definition of "investment" under Article 25 of the ICSID Convention, tribunals have relied on rigorous analysis of jurisdictional requirements and the overarching principle of good faith to safeguard the legitimacy of the arbitration process. The consistent application of these standards serves to deter opportunistic behavior by investors and to prevent the manipulation of BIT provisions through bad-faith restructuring. The findings of this study underscore the importance of upholding procedural integrity and ensuring that ICSID proceedings are not misused. By doing so, the system can better serve its original purpose—protecting legitimate investors while supporting fair and sustainable international investment practices.

Keywords: Abuse of Process, ICSID, Corporate Restructuring, Good Faith, International Investment Arbitration.

دوره هجدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

JLS

مجله مطالعات حقوقی

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2025.52055.5253>

مقاله پژوهشی

تحلیلی بر مفهوم سوءاستفاده از روند از طریق تجدید ساختار شرکتی در اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر مبنای کنوانسیون داوری «ایکسید»

محمدجواد عبداللهی^{۱*}، محمد کریمی^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری با هدف ایجاد مشوق‌ها بین کشورهای مختلف منعقد می‌شوند؛ با این وجود این معاهدات ممکن است از سوی اشخاصی حقیقی یا حقوقی که دولت آن‌ها طرف معاهدات مذکور نیستند، مورد سوءاستفاده قرار گیرند. یکی از مصادیق این نوع سوءاستفاده‌ها، سوءاستفاده از روند، در قالب «تغییر ساختار شرکت» است که دیوان داوری ایکسید در پرونده‌های مختلف سرمایه‌گذاری بین‌المللی به دفعات با آن مواجه بوده است. در این موارد دیوان داوری ایکسید در پرونده‌های متعدد نشان داده اجازه استناد به صلاحیت دیوان در فرض احراز سوءاستفاده از روند داخلی را نخواهد داد، چراکه این اقدام با اهداف کنوانسیون، از جمله ترویج سرمایه‌گذاری بین‌المللی و توسعه اقتصادی کشورهای میزبان سرمایه در تعارض است. در این پژوهش نویسندگان با هدف تحلیل مفهوم سوءاستفاده از روند و نحوه تحقق آن در قالب تغییر ساختار شرکتی، سعی در ارائه

استناد به این مقاله:

عبداللهی، محمدجواد و کریمی، محمد (۱۴۰۵). تحلیلی بر مفهوم سوءاستفاده از روند از طریق تجدید ساختار شرکتی در اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر مبنای کنوانسیون داوری «ایکسید». *مجله مطالعات حقوقی* ۱۸.

(۱). ۳۱۸-۲۷۹

E-mail address: dr.abdollahi@iaui.ac.ir

* نویسنده مسئول:

تحلیلی جامع در رابطه با موضوع تحقیق و موازین عدم اجابت دعاوی ناشی از سوءاستفاده از طریق ساختار سرمایه‌گذاری شرکتی دارند.

روش: نویسندگان با روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری به جمع‌آوری مطالب و تحلیل داده‌های تحقیق پرداخته‌اند. در این خصوص در ابتدا به تبیین مفهوم سوءاستفاده از روند و مقایسه آن با مفهوم سوءاستفاده از حق پرداخته شده و متعاقب آن نحوه تحقق سوءاستفاده از روند در پرتو تغییر ساختار شرکتی تحلیل شده و در نهایت به تحلیل یافته‌های تحقیق در رابطه با نقش حسن‌نیت و سایر سازوکارهای حقوقی در راستای جلوگیری از تحقق سوءاستفاده از روند پرداخته شده است.

یافته‌ها: با مذاقه در مباحث تحلیلی مقاله، از آنجایی که سوءاستفاده از روند دادخواهی، به طور مشخص از طریق تغییر ساختار شرکتی، از یک طرف عملی برخلاف اصل بین‌المللی حسن‌نیت در داوری‌های بین‌المللی تلقی شده و از طرف دیگر با اهداف مفروض در اجرای منصفانه حقوق و تضامین پیش‌بینی‌شده در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری که با هدف ترویج سرمایه‌گذاری بین‌المللی و تحصیل منافع ملموس برای کشور میزبان سرمایه و ارائه تضامین درخور توجه به سرمایه‌گذاران واقعی تعارض دارد، همگام با دیدگاه حقوقدانان، دیوان داوری ایکسید نیز در پرونده‌های متعدد، از پذیرش خواسته‌های مبتنی بر سوءاستفاده از روند خودداری کرده است. در خصوص چرایی عدم اجابت ادعاهای مطروحه در چنین مواردی که از طریق تغییر ساختار شرکتی به‌عنوان یکی از صور سوءاستفاده از روند تحقق می‌آید؛ و بر مبنای آن خواهان‌ها در واقع با تغییر ساختار شرکت، صرفاً به‌عنوان عاملی جهت تحصیل مزایای یک معاهده دوجانبه مشخص عمل کرده‌اند که قبل از تغییر ساختار شرکت حق استناد به معاهده دوجانبه مربوطه را نداشته‌اند، چنین اقداماتی در بیشتر پرونده‌ها با ایراد سوءاستفاده از روند از سوی دولت‌های میزبان سرمایه، به‌عنوان خوانندگان پرونده مواجه شده‌اند و محاکم داوری نیز در نهایت با پذیرش ایراد خوانندگان، حکم به ضرر خواهان‌ها در پرونده‌های متعدد صادر کرده‌اند. در این خصوص چهار الزام وجود صلاحیت شخصی، صلاحیت زمانی، صلاحیت موضوعی و همچنین الزام رضایت از جمله معیارهای هستند که رویه داوری تحت مقررات ایکسید نشان داده در صورتی که عمل خواهان با ملزومات یکی از این معیارها منطبق نباشد، می‌تواند در جرگه دلائل عدم پذیرش ادعاهای مطروحه باشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به فقدان تعریف مشخص از واژه سرمایه‌گذاری در ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید، الزامات در نظر گرفته‌شده برای پذیرش و تحلیل دعاوی سرمایه‌گذاری در کنار اصل بین‌المللی حسن‌نیت؛ از جمله مواردی هستند که رویه داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی نشان داده با سخت‌گیری در احراز آن‌ها می‌توان در فرض طرح ایراد سوءاستفاده از روند از سوی دولت میزبان سرمایه، از پذیرش ادعاها علیه دولت‌های میزبان سرمایه با هدف جلوگیری از تحقق سوءاستفاده از روند دادرسی‌های مرکز داوری ایکسید و همچنین در جهت عدم استناد توأم با سوءنیت به مفاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری جلوگیری کرد.

واژگان کلیدی: سوءاستفاده از روند، ایکسید، تغییر ساختار شرکتی، حسن نیت، داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی.

سرآغاز

مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی یا همان ایکس‌اید (ICSID) پیشروترین نهاد در عرصه حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود که نقش مهمی در توسعه رویه‌های مرتبط با داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی داشته است. تحلیل پرونده‌های رسیدگی شده در دیوان داوری ایکس‌اید، در کنار مباحث نظری مطرح شده از سوی اندیشمندان حقوقی، مبین آن است که مراجعه کنندگان به مرکز داوری ایکس‌اید، ممکن است برخلاف اهداف ترسیم شده برای ارجاع موضوعات به داوری، درصد سوءاستفاده از روند^۱ داوری علیه دولت‌های میزبان سرمایه باشند که در این زمینه یکی از مهم‌ترین مصادیق آن، تجدید ساختار شرکت، تنها با هدف دسترسی به داوری سرمایه‌گذاری ایکس‌اید است. در این خصوص، رویه داوری ایکس‌اید در پرونده‌های متعدد نشان داده دولت‌هایی که به عنوان خواننده پرونده قرار گرفته‌اند، غالباً این ادعا را مطرح می‌کنند که تغییر ساختار شرکت‌ها توأم با سوءنیت و در جهت دسترسی به امکان طرح دعوا در مرکز داوری ایکس‌اید انجام شده است. در این زمینه دولت‌های میزبان سرمایه به عنوان یک دفاع مرسوم و شایع، چنین استدلال می‌کنند که تجدید ساختار شرکتی در فرضی که صرفاً برای دسترسی به داوری سرمایه‌گذاری ایکس‌اید بوده؛ از یک طرف، خارج از محدوده‌ای که مطابق ماده ۲۵ کنوانسیون ایکس‌اید برای طرح دعوا مجاز تلقی شده است و از طرف دیگر، چنین دادخواهی‌هایی در تعارض با اهداف معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، در حمایت از سرمایه‌گذاران با حسن نیت است. در این خصوص، باید توجه داشت هرگونه سوءاستفاده از حقوق قانونی بر مبنای اصل کلی حسن نیت به عنوان یکی از اصول مهم در داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی ممنوع است و از این جهت در فرضی که عمل خواهان متضمن سوءاستفاده از روند داوری از جمله از طریق تغییر ساختار شرکتی باشد، رویه

داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی و دکتین حقوقی تردیدی در مجاز دانستن دیوان‌های داوری در عدم پذیرش چنین ادعاهایی ندارند.

به‌طور کلی در مقاله حاضر، در پاسخ به این سؤال اصلی پژوهش که رویه داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی تحت کنوانسیون ایکسید، با استناد به چه راهکارهایی دادخواهی‌های مبتنی بر سوءاستفاده از روند، از جمله از طریق ساختار شرکتی را نپذیرفته‌اند؟ نویسندگان ضمن تحلیل مفاهیم کلیدی حسن نیت و سوءاستفاده از حق و نقش آن‌ها در جلوگیری از طرح چنین ادعاهایی و با تحلیل قیود لازم برای احراز صلاحیت محاکم داوری ایکسید در پرتو ماده ۲۵ کنوانسیون، به تحلیل چرایی عدم وجود صلاحیت برای محاکم داوری ایکسید در مواجهه با چنین پرونده‌هایی پرداخته‌اند. مطالب ارائه شده در این پژوهش نشان می‌دهد؛ محاکم داوری ایکسید در تطابق با اصل کلی حسن نیت و قاعده منع سوءاستفاده از حق و با تحلیل قیود لازم برای احراز صلاحیت دیوان داوری ایکسید، در حمایت از کشورهای میزبان سرمایه و منع سوءاستفاده از فرآیند داوری، در فرض تحقق «سوءاستفاده از روند»، صلاحیت خود برای رسیدگی به چنین پرونده‌هایی را نپذیرفته‌اند.

تحقیق حاضر که با هدف ارائه تحلیلی جامع از چگونگی ممانعت از تحقق پدیده «سوءاستفاده از روند» در داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تحت کنوانسیون ایکسید تدوین شده، با روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری، در پنج بخش انجام شده است. در بخش اول مقاله، در ابتدا مفهوم سوءاستفاده از روند و تفاوت‌های آن با قاعده سوءاستفاده از حق تحلیل شده و در ادامه نیز نحوه تحقق سوءاستفاده از روند، در پرونده‌های مرتبط با تغییر ساختار شرکتی با تحلیل دو پرونده مهم بررسی شده است. در بخش دوم مقاله، ضمن تبیین مفهوم تغییر ساختار شرکتی و در نظر گرفتن مزایای آن، چگونگی تحقق تغییر ساختار شرکتی در پرونده‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی تحلیل شده است. در بخش سوم مقاله، نویسندگان ضمن تحلیل مفهوم حسن نیت و اقسام آن، نقش حسن نیت در جلوگیری از پدیده سوءاستفاده از روند در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی را تبیین

کرده‌اند. در بخش چهارم مقاله، با توجه به ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید، قیود لازم برای احراز صلاحیت دیوان داوری ایکسید در دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی و چگونگی جلوگیری از تحقق سوءاستفاده از روند در این دعاوی تحلیل شده و در نهایت در بخش پنجم مقاله، نتایج پژوهش ترسیم و تحلیل شده‌اند.

۱. تبیین مفهوم سوءاستفاده از روند و تفاوت آن با سوءاستفاده از حق

سوءاستفاده از روند که از آن به عنوان جنبه شکلی اصل سوءاستفاده از حق نیز یاد شده (Giorgetti and Pollack 2022: 264) زمانی رخ دهد که یک حق رویه‌ای در تضاد با هدف در نظر گرفته شده برای ایجاد آن حق اعمال شود. به عبارت دیگر، اعمال حق مشروع به نحوی که مغایر با هدف سیستمی باشد که وجود آن حق را پیش‌بینی کرده، می‌تواند سوءاستفاده از روند تلقی شود (Branson, 2021: 187)؛ که در صورت تحقق چنین اقدامی، نمی‌تواند از آن تحت سیستم ایکسید محافظت کرد (Mclachlan, 2024: 356). در یادداشتی از کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD) نگرانی‌ها مرتبط با سوءاستفاده از روند دادرسی‌ها بدین نحو بیان شد که افزایش قابل توجه اختلافات سرمایه‌گذاری در دهه گذشته این نگرانی را ایجاد کرده است که سرمایه‌گذاران ممکن است از سیستم سوءاستفاده کنند. سرمایه‌گذاران مشتاق هستند (از طرق مختلف) تا حد امکان موارد نقض قابل اجرا را ادعا کنند تا شانس موفقیت خود را افزایش دهند. این وضعیت می‌تواند از نظر زمان، تلاش، دستمزدها و سایر هزینه‌ها، نه تنها برای طرفین دعوا بلکه برای دیوان داوری نیز خسارات سنگینی به همراه داشته باشد (Karabiyik, 2022: 488).

لازم به ذکر است هرچند معمولاً عبارت «سوءاستفاده از روند» در کنار «سوءاستفاده از حق» استفاده می‌شود با این وجود، این دو مفهوم با هم متفاوت هستند. اخیراً نیز

دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)^۱ با تحلیل رویه قضایی خود و همچنین دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی (PCIJ)^۲ این موضوع را تأیید کرده و خاطر نشان کرده که بین سوءاستفاده از حق و سوءاستفاده از روند تفاوت وجود دارد؛ زیرا هرچند مفهوم اساسی آن‌ها ممکن است یکسان باشد اما نتایج متفاوتی می‌توانند داشته باشند.^۳ در واقع به نظر می‌رسد همه موارد سوءاستفاده از روند، متضمن سوءاستفاده از حق است اما همه موارد سوءاستفاده از حق لزوماً سوءاستفاده از روند محسوب نمی‌شود؛ زیرا سوءاستفاده از حق می‌تواند هم (موضوعات) ماهوی و هم شکلی را شامل شود، لیکن سوءاستفاده از روند صرفاً اعمال ویژه‌ای از قاعده منع سوءاستفاده از حق است (Junngam and Tangkiriphimarn, 2019: 12). در این خصوص، در واقع از آنجایی که سوءاستفاده از روند متضمن توسل به یک حق آیینی یا قواعد شکلی برخلاف اهداف خیرخواهانه ترسیم شده برای چنین حقی است، بدون شک در جرگه صور خاص سوءاستفاده از حق قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که مصادیق سوءاستفاده از حق فراتر از سوءاستفاده از حقوق آیینی، سوءاستفاده از حقوق ماهوی را نیز شامل می‌شود و از این جهت هرچند هر اقدام متضمن سوءاستفاده از روند به منزله سوءاستفاده از حق نیز می‌تواند تلقی شود، با این وجود مصادیق انحصاری تحقق سوءاستفاده از حق در حقوق ماهوی، خارج از دامنه مفهوم سوءاستفاده از روند هستند.

ملاحظه پرونده‌های داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی نشان داده یکی از اولین موقعیت‌هایی که در آن مفهوم «حسن نیت» در ارزیابی صلاحیت دادگاه‌های سرمایه‌گذاری افزایش یافته، مسائل مربوط به تجدید ساختار شرکت در جهت دسترسی به داوری‌های سرمایه‌گذاری است. در پرونده‌های سرمایه‌گذاری، دولت‌هایی که خواننده قرار گرفته‌اند غالباً ادعا می‌کنند ایجاد شرکت‌ها تنها برای دسترسی به داوری

1. International Court of Justice (ICJ)

2. Permanent Court of International Justice (PCIJ)

3. Immunities and Criminal Proceedings (Eq. Guinea v. Fr.), Preliminary Objections, Judgment, 2018 I.C.J. Rep. 292, 335, para. 146 (June 6).

سرمایه‌گذاری بوده و از این جهت به‌منزله «سوءاستفاده از سیستم ایکسید»^۱ باید تلقی شود. در واقع دولت‌هایی که خوانده قرار می‌گیرند، معتقدند تجدید ساختار شرکتی صرفاً برای دسترسی به داوری سرمایه‌گذاری در خارج از محدوده‌ای که در صلاحیت ایکسید (در ماده ۲۵ کنوانسیون آمده) و در معاهده سرمایه‌گذاری مربوطه به آن اشاره شده صورت گرفته و از این جهت چنین سرمایه‌گذارانی نباید تحت پوشش و حمایت موارد مرتبط با رضایت دولت میزبان (کنوانسیون ایکسید و معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری مرتبط) قرار گیرند. یکی از موارد سوءاستفاده از روند، در پرونده رنه رز لویی اتفاق افتاد. در این پرونده، گروهی از شرکت‌های متعلق به خانواده لویی، سهامی در شرکت گرمسیتل که یک شرکت محلی بود و توانسته بود حقوق توسعه پروژه‌های گردشگری و املاک در سواحل اقیانوس آرام پرو را به دست آورد، دارا بودند.

کمتر از یک ماه قبل از تصویب قطعنامه‌ای توسط دولت پرو که این سرمایه‌گذاری را ناکام می‌ساخت، خانواده لویی اکثریت سهام شرکت را به رنه رز لویی، تنها تبعه فرانسوی خانواده منتقل کردند. خانم لویی و شرکت گرمسیتل سپس داوری ایکسید را تحت معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری فرانسه - پرو^۲ آغاز کردند.^۳ دیوان در ابتدا اعلام کرد که ادعای خانم لویی الزامات قضایی تحت کنوانسیون ایکسید و معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری را برآورده می‌کند؛ زیرا او هم تابعیت لازم را بر اساس معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری فرانسه - پرو داشت و هم سرمایه‌گذاری خود را قبل از ظاهر شدن اختلاف کسب کرده بود. با این وجود، در نهایت دیوان صلاحیت خود را رد کرد؛ زیرا بر اساس یافته‌های جدید دریافته بود که عنصر «نزدیکی چشمگیر رویدادها» بین انتقال سهام در شرکت گرمسیتل به خانم لویی و صدور و انتشار قطعنامه دولت پرو وجود دارد.

1. abuse of the ICSID system

2. France-Peru BIT

3. Rene'e Rose Levy and Gremcitel SA v Republic of Peru, ICSID Case No ARB/11/17, Award (9 January 2015) [Gabrielle Kaufmann-Kohler (President), Eduardo Zuleta and Rau'l Vinuesa].

درواقع دیوان پس از بررسی شواهد متوجه شد زمانی که مالکیت سهام گرمسیتل به نام خانم لویی ثبت شده، لویی با احتمال بسیار بالایی می‌توانست صدور قطعنامه ۲۰۰۷ دولت پرو را پیش‌بینی کند و بر این اساس، مطابق نظر دیوان داوری «تنها دلیل انتقال ناگهانی اکثر سهام شرکت گرمسیتل به خانم لویی، ملیت او بوده است». در نتیجه دیوان به این نتیجه رسید که «تجدید ساختار شرکتی که توسط آن خانم لویی سهامدار اصلی شرکت گرمسیتل شده ... به‌منزله سوءاستفاده از روند است» و بر این اساس صلاحیت قضایی خود برای رسیدگی به این ادعا را نپذیرفت... (Gaillard, 2017: 35-36).

در پرونده اوراسکوم علیه الجزایر^۱ نیز دادگاه دکترین سوءاستفاده از روند را به پرونده‌ای که شامل معاهدات و دعاوی متعددی بود که با هم، هم‌پوشانی داشتند توسعه داد. در این پرونده، هرچند سرمایه‌گذاری توسط یک شخص کنترل می‌شد با این وجود این سرمایه‌گذاری به شکل زنجیره‌ای عمودی از شرکت‌ها ساخته شده بود که هر یک به‌گونه‌ای قرار داشتند که از طریق معاهده (سرمایه‌گذاری) متفاوتی در رابطه با سرمایه‌گذاری‌های انجام شده محافظت می‌شدند. شخص کنترل‌کننده^۲ در واقع به شیوه‌ای استراتژیک، لایه‌های مختلف شرکت را برای طرح ادعا یا تهدید به طرح ادعا علیه خواننده هدایت می‌کرد و از این جهت اختلاف‌ها به هم مرتبط بودند. دیوان داوری در مواجهه با این پرونده بیان کرد هرچند تشکیل یک ساختار سرمایه‌گذاری چندین لایه از نهادهای شرکتی در ایالت‌های مختلف، عملی نامشروع محسوب نمی‌شود با این وجود شخص سرمایه‌گذاری که چندین نهاد را در یک زنجیره عمودی از شرکت‌ها کنترل می‌کند، دادخواهی‌های متعدد او در رابطه با سرمایه‌گذاری، اقدامات و آسیب‌های

1. Orascom TMT Investments S.à.r.l. v. People's Democratic Republic of Algeria, ICSID Case No. ARB/12/35, Award (31 May 2017) (G. Kaufmann-Kohler, presiding, A. J. van den Berg, B. Stern).

2. Controlling individual

مشابه علیه دولت میزبان، مصداق سوءاستفاده از روند دادرسی است^۱ (Garibaldi, 2021: 85). لازم به ذکر است کارکرد مقدماتی سوءاستفاده از دادرسی جلوگیری از رسیدگی توسط نهاد داوری است، حتی اگر خواهان تمام شرایط شکلی تقدیم دادخواست را نیز رعایت کرده باشد (برزگر زاده، ۱۴۰۱: ۵۴).

بنابراین چنانچه تحلیل حقایق پرونده نشان می‌دهد، دلیل اصلی تغییر ساختار شرکتی در جهت امکان استناد به یک معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری مشخص بوده و در واقع خواهان این تغییر ساختار را تنها با هدف برخورداری از مزایای معاهده مربوطه و تحصیل صلاحیت دیوان داوری برای استماع ادعای او انجام داده، محاکم داوری از پذیرش صلاحیت خود در رسیدگی به چنین دعاوی که مصداق عینی سوءاستفاده از روند است خودداری کرده‌اند. در این خصوص لازم به ذکر است عنصر قابلیت پیش‌بینی امکان بروز اختلاف همان‌طوری که در پرونده رنه رز لویی علیه دولت پرو نشان داده شد، می‌تواند یکی از معیارهای باشد که بر مبنای آن بتوان اقدام خواهان در تغییر ساختار شرکتی و متعاقب آن طرح دعوا علیه دولت میزبان سرمایه را نوعی سوءاستفاده از روند تلقی کرد. از این جهت، تغییر ساختار شرکتی پس از بروز اختلافات نیز می‌تواند از مصادیق بارز سوءاستفاده از روند محسوب شود. در این خصوص، به این مهم تأکید شده که چنانچه در نظر دیوان‌های داوری ثبت شرکت سرمایه‌گذار در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون ایکسید پس از حدوث اختلاف و صرفاً به منظور استفاده از مزایای معاهده سرمایه‌گذاری مربوطه و دسترسی به صلاحیت

۱. دیوان داوری همچنین تأکید کرد که به‌طور کلی اهداف معاهدات سرمایه‌گذاری «تسهیل توسعه اقتصادی کشور میزبان و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط خارجی‌ها است که انتظار می‌رود به چنین توسعه‌ای کمک کنند». البته این تصور که همه معاهده‌های سرمایه‌گذاری دقیقاً این اهداف را دارند و سایر معاهدات چنین هدفی را دنبال نمی‌کنند، بحث‌برانگیز است. علاوه بر این، دیوان اظهار داشت اهداف یک معاهده معین، چه رسد به هدف هر حقی که توسط آن معاهده اعطا شده (در صورت لزوم) باید با بررسی (مفاد آن) معاهده مشخص شود... (Garibaldi, 2021: 85).

اقامه دعوا در مرجع داوری ایکسید بوده باشد، به اصل سوءاستفاده از حق استناد می‌کنند و اغلب خود را برای رسیدگی به اختلاف دارای صلاحیت نمی‌دانند (رضوی طوسی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۷۶).

۲. مفهوم تجدید ساختار شرکت

تجدید ساختار شرکت ممکن است منجر به تغییراتی مانند تغییر در سرمایه یا ساختار سرمایه، تغییر سهامداران، تغییر کنترل، تغییر تجارت و یا تغییر واحدهای عملیاتی شرکت‌ها شود. به‌طور کلی، تجدید ساختار شرکت‌ها اهداف مختلفی را در شرکت‌های مختلف و در مقاطع زمانی متفاوت دنبال می‌کنند و البته این تجدید ساختار ممکن است اشکال مختلفی نیز داشته باشد. به‌طور مثال یک شرکت ممکن است کسب‌وکار خود را از طریق توسعه داخلی یا با گسترش فعالیت برون‌مرزی توسعه دهد. در صورت توسعه داخلی، یک شرکت به تدریج و بر اساس رویه عادی کسب‌وکار با دستیابی به سرمایه‌های جدید، تجهیزات منسوخ شده از نظر تکنولوژیکی را جایگزین کرده و با راه‌اندازی خطوط جدید تولید محصولات به تدریج توسعه بیشتری می‌یابد؛ اما در توسعه خارجی، یک شرکت معمولاً یک تجارت در حال انجام را به دست می‌آورد و در نتیجه یک‌شبه با تجدید ساختار شرکت رشد می‌کند. به‌طور کلی تجدید ساختار شرکت، معمولاً یک اجرای غیرمترقبه و تکرارناپذیر برای یک سازمان است که به دلیل ملاحظات متعدد و مزایای بی‌شمار آن از جمله در رابطه با بهبود عملکرد، مدیریت شرکتی کارآمدتر و موارد احتمالی دیگر، تأثیری پایدار بر کسب‌وکار و سایر نهادهای زیرمجموعه شرکت خواهد داشت^۱.

از دیدگاه پرونده‌های مرتبط با داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی، در تجدید ساختار شرکتی ما با وضعیتی مواجه هستیم که در آن تغییرات استراتژیک در ساختار شرکت،

1. Study Material Professional Programme Part I Corporate Restructuring, Insolvency, Liquidation & Winding-Up

به‌عنوان مثال از طریق انتقال سهام ایجاد می‌شود که چنین تغییراتی می‌تواند منجر به دسترسی سرمایه‌گذاران خارجی به دیوان بین‌المللی سرمایه‌گذاری شود، در صورتی که اگر تجدید ساختار انجام نمی‌شد، خواهان حق مراجعه به دیوان داوری سرمایه‌گذاری را نداشت. برای تشریح این وضعیت، سناریو زیر را در نظر بگیرید:

A شرکتی است که تابعیت دولت X را دارد و B شرکتی است که تابعیت دولت Y را دارد. A به عنوان یک سرمایه‌گذار خارجی، با به دست آوردن شصت درصد سهام، در شرکت B سرمایه‌گذاری می‌کند. در نتیجه، A از طریق سهام‌داری و متعاقب آن هدایت شرکت، عملاً کنترل A را در دست می‌گیرد. از آنجایی که هیچ معاهده سرمایه‌گذاری بین کشورهای X (دولت مبدأ) و Y (دولت میزبان) وجود ندارد که اجازه داوری سرمایه‌گذاری را بدهد، A نمی‌تواند هرگونه اختلاف سرمایه‌گذاری در آینده را علیه دولت Y برای خسارتی که دولت Y ممکن است به سرمایه‌گذاری A در شرکت B وارد کرده باشد، مطرح کند؛ بنابراین قبل از بروز هرگونه اختلاف سرمایه‌گذاری، A تمام سهام خود در B را به C که شرکت وابسته به آن است که البته تابعیت دولت Z (دولت جدید) را دارد منتقل می‌کند. دولت‌های Y و Z دارای یک معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه هستند که حاوی رضایت آن‌ها برای ارسال اختلافات سرمایه‌گذاری با سرمایه‌گذاران خارجی به مجمع داوری مشخص شده در آن معاهده است؛ بنابراین در اینجا کاری که A انجام داد، انتقال شرکت کنترل‌کننده^۱ از یک کشور به کشور دیگر برای مقاصد قضایی^۲ است. اگر اختلاف سرمایه‌گذاری بین C و دولت Y ایجاد شود، ممکن است A و/یا C بتوانند با پذیرش پیشنهاد دولت Y برای داوری مندرج در معاهده دولت‌های Y-Z، رسیدگی داوری را آغاز کنند (Brabandere, 2012: 14).

1. Controlling Company
2. Jurisdictional Purposes

لازم به ذکر است از اواخر دهه ۱۹۵۰، دولت‌ها به حدود ۳۰۰۰ معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه^۱ (BIT) وارد شده‌اند که در آن‌ها داوری بین‌المللی، به عنوان محل ارجح برای حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده است. این معاهدات به سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های چندملیتی امکان دسترسی به راه‌حل‌های حقوقی بر اساس ملیت آن‌ها را می‌دهد. معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه به سرمایه‌گذاران یک کشور متعاهدی که تجارت خود را در کشور متعاهد دیگر انجام می‌دهند تضامینی را ارائه می‌دهند. این معاهدات معمولاً از سه بخش تشکیل شده‌اند که عبارت‌اند از: (۱) بخش تعاریف که معمولاً «سرمایه‌گذاری» و «سرمایه‌گذار» را تعریف می‌کند، (۲) بخشی در مورد «استانداردهای اساسی برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاران» و (۳) بخشی را پوشش می‌دهد که روش حل و فصل اختلافات، معمولاً داوری در دادگاه مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ICSID) یا سایر اشکال داوری را پیش‌بینی کرده است (Garay, 2017: 399)؛ بنابراین از آنجایی که ساختار متعارف معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری نیز با اهداف مشروع اعطاء حمایت‌ها و تضامین خاص برای سرمایه‌گذاران واقعی تنظیم می‌شوند، بدیهی است اقدام یک شرکت در تحصیل صلاحیت از طریق تغییر ساختار شرکتی، عملی در تعارض با روح و هدف معاهدات سرمایه‌گذاری تلقی شده که در عمل تماماً به زیان کشور میزبان سرمایه خواهد بود؛ زیرا باید به عنوان خواننده در پرونده‌های طرف دعوا قرار گیرد که خواهان آن‌ها صرفاً با تغییر ساختار شرکتی توانسته در موقعیت خواننده چنین دعاوی را مطرح کند نه اینکه حقیقتاً سرمایه‌گذار واقعی در کشور میزبان سرمایه (دولت خواننده پرونده) محسوب شود. از این جهت در پرونده‌ای^۲ محکمه داوری دریافت که سوءاستفاده از روند در سازمان‌دهی مجدد شرکتی که توسط مدعیان (یک شرکت

1. Bilateral Investment Treaties (“Bits”)

2. Rene’e Rose Levy and Gremcitel SA v Republic of Peru, ICSID Case No ARB/11/17, Award (9 January 2015)

املاک و مستغلات) انجام شده تنها هدف آن‌ها از این اقدام، دسترسی به داوری علیه دولت میزبان سرمایه بوده است (Collins, 2025: 173) که بدیهی است چنین اقدامی با اهداف مشروع معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری در حمایت از سرمایه‌گذاری واقعی تطابق ندارد و مصداق سوءاستفاده از روند در دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی است.

۳. نقش حسن نیت در جلوگیری از سوءاستفاده از روند

حسن نیت به عنوان یک اصل کارآمد در اکثر نظام‌های پیشرو به رسمیت شناخته شده و در مصادیق متعدد، سبب نفی رفتارهای توأم با سوءنیت شده است (کریمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷). به‌طور کلی، یکی از مهم‌ترین اصولی که دیوان‌های داوری بین‌المللی در جهت اعلام ممنوعیت رفتارهای توأم با سوءنیت در داوری‌ها به آن استناد کرده‌اند اصل حسن نیت است. اصل حسن نیت که تا حد زیادی به عنوان یک اصل پذیرفته شده کلی حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است، تأکید بر اعمال صادقانه^۱ و وفادارانه^۲ هر حقی دارد. اعمال با حسن نیت یک حق، اقدامی محسوب می‌شود که برای هدف ترسیم شده برای آن حق مناسب و ضروری باشد؛ بنابراین اعمال توأم با حسن نیت یک حق نظر به وضعیتی دارد که چنین اعمالی با توجه به تعهدی که بر عهده گرفته شده، برای طرف دیگر، مزیت ناعادلانه‌ای به همراه نداشته باشد. اصل حسن نیت دارای دو بعد ماهوی و شکلی است. ما اگر از حسن نیت (ماهوی^۳) صحبت کنیم این نتیجه حاصل می‌شود که این اصل، اعمال حقوق ماهوی^۴ را کنترل کند. پیامد مستقیم اصل حسن نیت ماهوی این است که در صورت تحقق سوءاستفاده از حقوق، این وضعیت به مفهوم تضییع حقوق (طرف مقابل) تلقی خواهد

-
1. Honestly
 2. Loyally
 3. Material (Or Substantive) Good Faith
 4. Substantial Rights

شد. اصل حسن نیت البته دارای بعد رویه‌ای یا شکلی^۱ نیز است؛ که در این مفهوم از اشخاص می‌خواهد هیچ‌گونه اقدامی که می‌تواند عملکرد صحیح روند یا آیین (دادرسی) انتخابی را ناکام کند، یا به‌طور قابل توجهی تأثیر نامطلوب بر اهداف در نظر گرفته شده برای آن رویه‌ها داشته باشد انجام ندهند. در واقع هرچند برای یک طرف این زمینه کاملاً فراهم است که بتواند منافع خود را حتی به بهای ضرر طرف مقابل پیش برد، اما این خودخواهی محدودیت‌هایی نیز دارد و نمی‌تواند به نحوی باشد که الزامات مرتبط با عملکرد صحیح رویه‌های دادرسی را نادیده بگیرد. به‌عنوان مثال، ممکن است بیان شود دولتی که (به‌طور مثال در دعاوی سرمایه‌گذاری) دادرسی جدیدی را در مورد موضوعی مشابه آغاز می‌کند، از حقوق رویه‌ای خود سوءاستفاده کرده و از این جهت چنانچه دادرسی آزاردهنده، بیهوده یا بی‌اساس تشخیص داده شود، دادگاه صالح می‌تواند صلاحیت خود را در خصوص رسیدگی به چنین ادعایی رد کند. البته این وضعیت به این دلیل نیست که دادرسی موازی فی‌نفسه عملی اشتباه یا نوعی تقصیر است بلکه این «ماهیت ذاتاً آزاردهنده دادرسی‌ها»^۲ است که باید محکوم شود (Junngam and Tangkiriphimarn, 2019: 11-12)؛ بنابراین این نوع دادرسی‌ها آزاردهنده هستند البته نه به دلیل استحقاق‌های حقوقی بالقوه^۳ آن‌ها بلکه به دلیل توانایی آن‌ها در آزار و اذیت خواننده است (Horn af Rantzien and Mavroidis, 2006: 22) که می‌توانند از مصادیق سوءاستفاده از روند دادرسی محسوب شوند.

بنابراین در مواردی که از لحاظ شکلی اقدام خواهان پرونده در طرح دعوا علیه کشور میزبان سرمایه به‌منزله سوءاستفاده از حق اقامه دعوا محسوب شود، چنین اقدامی در تعارض با اصل و تعهد بین‌المللی حسن نیت تلقی خواهد شد. در چنین مواردی، بدیهی است محاکم داوری تشکیل شده تحت کنوانسیون داوری ایکسید نباید حق طرح

1. Procedural

2. The Inherently Vexatious Nature of the Proceedings

3. Potential Legal Merits

دعوا و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در کنوانسیون را به گونه‌ای اعمال کنند که در تعارض با اصل حسن نیت باشد. از این جهت، حسن نیت در عمل ابزاری است که برای سنجش و ارزیابی مناسب بودن رفتار رویه‌ای طرفین مورد استناد واقع شده و بنابراین نقش مهمی در تعیین مصادیق رفتاری‌های توأم با سوءنیت همانند پدیده سوءاستفاده از روند، در داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی دارد.

۴. سازوکارهای قانونی برای ممانعت از سوءاستفاده از روند

لازم به ذکر است مکانیسم‌های قانونی متعددی برای مقابله با تغییر ساختار شرکتی در جهت دسترسی به معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و سوءاستفاده از حمایت‌های قانونی آن طراحی شده است. یکی از این مکانیسم‌ها، ایراد به صلاحیت محکمه رسیدگی‌کننده است که این ادعا متضمن فقدان صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به ادعای مطروحه است که می‌تواند شامل فقدان صلاحیت به دلایل موضوعی^۱ (دعاوی که دیوان داوری نمی‌تواند به آن‌ها رسیدگی کند)، صلاحیت شخصی^۲ (عضویت دولت میزبان و دولت متبوع سرمایه‌گذار) و صلاحیت زمانی^۳ (مرتبط با عدم قدرت صدور حکم در مورد موضوع نظر به حقایق و موضوعات موجود در زمان مربوطه) باشد. خواننده در این موارد با اعتراض به صلاحیت محکمه داوری در فرض وقوع سوءاستفاده از روند، ادعا می‌کند یک یا چند مورد عناصر فوق وجود ندارد و از این جهت دیوان داوری نمی‌تواند در این اختلافات حکمی صادر کند؛ بنابراین علاوه بر تحلیل‌های مرتبط با نقض حسن نیت، در موارد فوق نیز محاکم داوری با تحلیل حقایق پرونده‌ها سعی در عدم پذیرش رسیدگی به دعاوی مبتنی بر سوءاستفاده از روند

1. Ratione Materiae
 2. Ratione Personae
 3. Ratione Temporis

داشته‌اند. در این خصوص، به‌طور مثال در پرونده‌ای که اخیراً (در سال ۲۰۲۳)^۱ رسیدگی شده، محکمه داوری ایکسید در تحلیل معیار صلاحیت شخصی بیان کرد از آنجایی که خواهان تابعیت هر دو کشور آلمان و کرواسی را بعد از ثبت درخواست داوری، تحصیل کرده است محکمه داوری صالح به رسیدگی به چنین ادعایی نیست (Ziccardi Capaldo, 2024: 395).

لازم به ذکر است در پاسخ به عملیات شرکتی (همانند تجدید ساختار)؛ برای دسترسی به معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری و بهره‌مندی از حمایت‌های آن، مسائلی که توسط دولت میزبان سرمایه بر مبنای ادعاهای مربوط به فقدان صلاحیت یا غیرقابل‌پذیرش بودن ادعا ممکن است مطرح می‌شود، می‌تواند با ادعاهای اساسی سرمایه‌گذار نیز مرتبط باشد. به عنوان مثال، دفاعیات مرتبط با زمان وقوع اختلاف و قابل‌پیش‌بینی بودن ضرر ممکن است از یک‌سو به صلاحیت دادگاه و قابل‌پذیرش بودن یا نبودن ادعاهای سرمایه‌گذار مرتبط باشد و از سوی دیگر، به ارزیابی دیوان از «انتظارات مشروع» سرمایه‌گذار که عنصری مهم در دعاوی مربوط به رفتار منصفانه و عادلانه و سلب مالکیت غیرمستقیم است مرتبط باشد؛ بنابراین حتی اگر دادگاه ایرادات مطرح شده توسط کشور میزبان را در مورد عدم وجود صلاحیت یا عدم پذیرش ادعا رد کند، با این وجود ممکن است در ارزیابی ادعا از لحاظ ماهوی، به عواملی که منجر به طرح این اعتراضات شده توجه کند (Voon et al., 2014: 44-45).

1. Marko Mihaljevic v. Republic of Croatia, ICSID Case No. ARB/19/35
2. See Eg Impregilo V Argentine Republic (Award) (ICSID Arbitral Tribunal Case No ARB/07/17, 21 June 2011) [285]; EDF (Services) V Romania (Award) (ICSID Arbitral Tribunal Case No ARB/05/13, 2 October 2009) [216]; Duke Energy V Ecuador (Award) (ICSID Arbitral Tribunal, Case No ARB/04/19, 12 August 2008) [340]; PSEG Global V Republic Of Turkey (Award) (ICSID Arbitral Tribunal Case No ARB/02/5, 17 January 2007); Fireman's Fund Insurance Company V Mexico (Award) (ICSID Arbitral Award Case No ARB(AF)/02/01, 17 July 2006) [176(K)]; Saluka Investments V Czech Republic (Partial Award) (Permanent Court Of Arbitration, 17 March 2006) [302]; Tecnicas Medioambientales Tecmed V Mexico (Award) (ICSID Arbitral Tribunal Case No ARB(AF)/00/2, 29 May 2003) [151].

۱-۴. عناصر دعوای سوءاستفاده از روند در داوری‌های سرمایه‌گذاری در پرتو ماده

۲۵ کنوانسیون ایکسید

در سال‌های اخیر دولت‌هایی که در دعوای سرمایه‌گذاری به عنوان خواننده قرار گرفته‌اند، استدلال کرده‌اند که تجدید ساختار سرمایه‌گذاری یا ادعای سرمایه‌گذاری، متضمن نوعی سوءاستفاده از روند است که البته آمار نشان داده هنگامی که این اعتراض مطرح شده، در ۵۵/۵٪ درصد موارد با موفقیت همراه بوده است. به‌طور مثال، دادگاه فیلیپ موریس^۱ یک معیار دو بخشی را برای احراز سوءاستفاده از روند تعیین کرده که بر مبنای آن اولاً، اختلاف باید در زمان تجدید ساختار (شرکت) قابل پیش‌بینی باشد و ثانیاً، هدف از تجدید ساختار باید دسترسی به مکانیسم حل‌وفصل اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت باشد (Poulton et al, 2020: 20). صرف‌نظر از معیارهای ارائه شده در پرونده موریس، برای اینکه دیوان داوری ایکسید صلاحیت رسیدگی به دعوایی را داشته باشد، احراز چهار شرط ضروری است که عبارت‌اند از: صلاحیت شخصی^۲، وجود رضایت^۳ (در کشور میزبان)، صلاحیت موضوعی^۴ و صلاحیت زمانی^۵. صلاحیت شخصی، مستلزم آن است که «اختلاف مطروحه باید در ارتباط با یک دولت متعاهد و تبعه یک دولت متعاهد دیگر باشد». بر مبنای صلاحیت موضوعی اختلاف مطروحه باید یک اختلاف حقوقی باشد که «مستقیماً از یک سرمایه‌گذاری ناشی شود». قید وجود رضایت نیز از دولت متعاهد و سرمایه‌گذار می‌خواهد که باید «توافقی کتبی داشته باشند که (بر مبنای آن) اختلاف باید از طریق داوری ایکسید حل‌وفصل شود»؛ و در نهایت صلاحیت زمانی^۶ تصریح می‌کند کنوانسیون ایکسید باید «در زمان مربوطه قابل اجرا

1. Philip Morris Asia Limited V The Commonwealth of Australia (PCA Case No. 2012-12),

2. Ratione Personae

3. Ratione Voluntatis

4. Ratione Materiae

5. Ratione temporis

6. Arising Directly Out Of An Investment

7. Ratione Temporis

باشد؛ یعنی زمانی که توافق‌نامه داوری به عنوان بخشی از قرارداد سرمایه‌گذاری امضا شده است (Garay, 2017: 403).

۱-۴-۱. قید صلاحیت شخصی برای احراز صلاحیت

از آنجایی که تغییر ساختار شرکتی، عملی است که باعث می‌شود شخصی که در شرایط عادی نمی‌توانسته طرف دعوای سرمایه‌گذاری در دیوان ایکسید قرار گیرد، با تغییر تابعیت از طریق تغییر ساختار شرکت، به‌طور ظاهری از چنین مزیتی برخوردار شود؛ لذا در بسیاری از پرونده‌های مربوط به داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی، به قید صلاحیت شخصی توجه شده است. قید صلاحیت شخصی در داوری‌های سرمایه‌گذاری، اقتضای وجود یک سرمایه‌گذار خصوصی با ملیتی متفاوت از ملیت کشور میزبان سرمایه را دارد. مطابق ماده ۲۵ (۱) کنوانسیون ایکسید، دولت میزبان و دولتی که سرمایه‌گذار ادعای تابعیت آن را دارد، هر دو باید در جرگه کشورهای متعاقد کنوانسیون باشند، در غیر این صورت الزامات صلاحیت شخصی برآورده نمی‌شود و هیچ صلاحیت قضایی برای رسیدگی ایکسید باقی نمی‌ماند. از این جهت، صلاحیت شخص به این سؤال می‌پردازد که چه کسی می‌تواند طرف رسیدگی‌های داوری ایکسید قرار گیرد (Aksar, 2011: 132).

سرمایه‌گذار بر مبنای این معیار باید نشان دهد که تبعه یکی از دولت‌های طرف معاهده قابل اجرا (و یکی از کشورهای متعاقد کنوانسیون ایکسید) غیر از دولت خوانده است (Gómez and Titi, 2024: 27) که البته این قید باید در زمان شروع رسیدگی وجود داشته باشد (Billiet nd Benini, 2016: 379). دولتی که در زمان رسیدگی داوری یک کشور متعاقد نیست، بدون توجه به اینکه آیا به صلاحیت قضایی کنوانسیون رضایت داده است یا خیر، مشمول صلاحیت ایکسید نیست. با توجه به

ملیت سرمایه‌گذار، کنوانسیون ایکسید وجود قید ملیت مثبت و منفی^۱ را خواستار شده است. قید مثبت مستلزم آن است که یک سرمایه‌گذار باید تابعیت یک کشور متعاقد دیگر را مطابق کنوانسیون ایکسید داشته باشد و در مرحله بعد، قید منفی تصریح می‌کند که سرمایه‌گذار نباید تابعیت کشور میزبان را داشته باشد. اگر سرمایه‌گذار دارای تابعیت کشور میزبان باشد حتی به عنوان یک تابعیت دوگانه^۲، این قید، محاکم ایکسید را از رسیدگی به ادعاهای سرمایه‌گذار منع می‌کند.

در پرونده‌هایی که در آن ادعای سوءاستفاده از روند مطرح می‌شود، خواننده (معمولاً کشور میزبان) ابتدا با مطرح کردن سوءاستفاده از روند به عنوان یک دفاع، به ادعای سرمایه‌گذار اعتراض می‌کند و در این زمینه بیان می‌کند که محکمه داوری فاقد صلاحیت است. دادگاه در پرونده شورون^۳ اظهار داشت که در پرونده‌های سوءاستفاده از روند، خواهان (معمولاً سرمایه‌گذار) ملزم به اثبات این وضعیت نیست که ادعای او به روشی درست (غیر از موارد سوءاستفاده) مطرح شده بلکه بار اثبات وجود سوءاستفاده از روند بر عهده خواننده است^۴. در رابطه با اهداف داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی خاطرنشان می‌شود، سرمایه‌گذار اغلب شرکتی است که تحت قوانین یک دولت متعاقد تشکیل شده است در حالی که سرمایه‌گذاری «مجموعه‌ای از حقوقی است که طبق قانون داخلی یک دولت متعاقد دیگر تحصیل شده است» و از این جهت منبع سرمایه‌گذاری شده، در احراز وجود سرمایه‌گذاری خارجی مدخلیتی ندارد؛ در عوض، این تابعیت سرمایه‌گذار است که در خصوص معاهده‌ای که ممکن است از آن بهره‌مند شود تعیین‌کننده است (Garay, 2017: 404).

علاوه بر این تابعیت یک شخص حقوقی توسط قوانین داخلی تعیین می‌شود که غالباً احراز آن تنها منوط به تأسیس یک مرکز اداره یا فعالیت در کشور متعاقد

1. Positive And Negative Nationality Requirement

2. Dual National

3. Chevron

4. Chevron Corporation (Usa), Uncitral, Pca Case No. 34877, At 139

کنوانسیون یا طرف معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری است. در این خصوص، لازم به ذکر است کنوانسیون ایکسید هیچ‌گونه ارتباط اقتصادی واقعی بین یک شخص حقوقی و کشور محل تأسیس یا مقر آن را لازم نمی‌داند. این مهم توسط اکثریت (اعضای دیوان داوری) در پرونده توکیوس توکلس در سال ۲۰۰۴ نیز تأیید شد، زیرا معتقد بودند تنها تأسیس شرکت تحت قوانین یک طرف متعاهد کنوانسیون ایکسید برای بررسی تابعیت خواهان، تعیین‌کننده است، حتی در جایی که شرکت خواهان، تحت مالکیت و کنترل اتباع دولت خوانده باشند.^۱ در این زمینه، البته محاکم تلاش کرده‌اند مانع تلاش‌هایی شوند که برای فروم شاپینگ^۲ انجام می‌شود^۳ و به موجب آن، خواهان به دنبال دسترسی به گزینه حل و فصل اختلاف از طریق معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه‌ای است که برای او مطلوب است و به شرکت خواهان پرونده اجازه می‌دهد (با سوءنیت) ادعای سرمایه‌گذاری را بر اساس ملیتی که پس از بروز اختلاف به دست آورده‌اند مطرح کند.^۴ در این خصوص البته لازم به ذکر است فروم شاپینگ، فی‌نفسه یک پدیده حقوقی منفی نیست؛ زیرا این یک واقعیت است که نظام‌های حقوقی مختلف به طرفین اجازه می‌دهند تا تعیین کنند در مورد اختلافات فراملی با پیچیدگی‌های منحصربه‌فرد آن، در کجا طرح دعوا خواهند کرد؛ بنابراین فروم شاپینگ یک رفتار استراتژیک است که بر اساس درک طرف از مزیت‌های موجود در قوانین ماهوی و شکلی یک نظام حقوقی

1. Tokios Tokelés v. Ukraine, ICSID Case No. ARB/02/18, Decision on Jurisdiction, 29 April 2004

2. Forum Shopping

۳. اصطلاح «فروم شاپینگ» برای توصیف مواردی استفاده می‌شود که در آن دادگاه‌های متعدد به طور بالقوه صلاحیت رسیدگی به یک اختلاف را دارند و شروع به دادخواهی در یک دادگاه خاص، برای یکی از طرفین مزایای استراتژیک متعددی به همراه دارد.

4. See Phoenix Action, Ltd. v. Czech Republic, ICSID Case No. ARB/06/5, Award, 15 April 2009, paras. 94-95; Mobil Corporation and others v. Bolivarian Republic of Venezuela, ICSID Case No. ARB/07/27, Decision on Jurisdiction, 10 June 2010, paras. 204-205; Pac Rim Cayman LLC v. Republic of El Salvador, ICSID Case No. ARB/09/12, Decision on the Respondent's Jurisdictional Objections, 1 June 2012, para. 2.52 et seq.

صورت گیرد (Mskhvilidze, 2023: 93). با این وجود فروم شاپینگ می‌تواند نوعی سوءاستفاده از روند محسوب شود (Oshisanya, 2024: 31) و آن در جایی است که سرمایه‌گذاری (تجدید ساختار شرکتی) صرفاً به منظور شروع دعوا خریداری شده باشد (Armand and Mestral, 2013: 204). در واقع فروم شاپینگ زمانی به منزله سوءاستفاده از روند دادرسی محسوب می‌شود که یک شخص هدفش از انجام این کار استفاده نادرست از یک صلاحیت قضایی بین‌المللی برای به دست آوردن یک نتیجه ناعادلانه یا کسب امتیاز غیرمنصفانه که در شرایط عادی به او تعلق نمی‌گیرد، باشد. البته در زمینه حل و فصل اختلافات بین‌المللی به طور کلی و در داوری پرونده‌های سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌گذار و دولت میزبان به طور خاص، اصطلاح «فروم شاپینگ» اغلب با بعد منفی آن به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته و این عمل به طور پیش‌فرض نوعی اقدام «سوءاستفاده کننده» تلقی شده که در بردارنده نوعی تقلب است؛ هرچند در مقابل، برخی نیز معتقدند که «وکلا مجبورند به دنبال مطلوب‌ترین دادگاه برای پیشبرد منافع موکل خود باشند» و از این جهت بررسی و انتخاب مناسب‌ترین دادگاه در جهت تشخیص عملکرد خوب و کلا ضروری است (Baetens, 2019: 6-7).

بنابراین عمل فروم شاپینگ به عنوان انتخاب یک دادگاه توسط خواهان که با عنایت به نیازهای وی در کسب منافع تجاری و حقوقی یا فردی در موقعیت بهتر یا بالاتر است (حاتمی و رحیمی، ۱۴۰۱: ۲۶) در تمام موارد نمی‌تواند به عنوان مصداق سوءاستفاده از روند محسوب شود بلکه نظر به مشروعیت چنین حقی برای اشخاص، به جز در فرضی که سوءنیت از قواعد دادرسی با انجام چنین اقدامی احراز شود، در مشروعیت آن نباید تردید کرد. در این خصوص به طور مثال در پرونده تصریح شده فروم شاپینگ بر مبنای پرونده Mailantarki علیه Tongo^۱ نوعی سوءاستفاده از فرآیند است، در جایی که دادخواهی «دورتر از ... جایی که سبب دعوا^۲ به وجود آمد ...» اقامه

1. Mailantarki v. Tongo (2017).
2. cause of action

شده است (Oshitokunbo Oshisanya, 2025: 34). بنابراین در فرضی که دلایلی در نظر محاکم برای تحقق سوءاستفاده از روند در قالب فروم شاپینگ وجود داشته باشد، محاکم داوری خود را صالح برای رسیدگی به چنین ادعاهایی از جمله در رابطه با سوءاستفاده روند که یکی از مصادیق آن می‌تواند فروم شاپینگ باشد، نمی‌دانند.

۲-۱-۴. قید وجود رضایت

یکی دیگر از مواردی که می‌تواند در مقابل سوءاستفاده از روند دادرسی در دعوی سرمایه‌گذاری و از جمله در پرونده‌های تغییر ساختار شرکتی به آن استناد کرد، فقدان عنصر رضایت برای احراز صلاحیت دیوان داوری است. برای تحقق الزام رضایت برای وجود صلاحیت تحت کنوانسیون ایکسید، دولت متعاهد و سرمایه‌گذار باید کتباً موافقت کرده باشند که هرگونه اختلافی که بین آنها ایجاد می‌شود، از طریق داوری ایکسید حل و فصل شود. بر اساس این قید، با توجه به بند ۱ از ماده ۲۵ ایکسید لازم است که «طرفین اختلاف به صورت کتبی توافق کنند که [اختلاف] را به ایکسید ارجاع دهند» (Wahab and Duggal, 2022: 31). وجود رضایت، عنصری مهم برای داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی است زیرا صلاحیت محکمه داوری مشروط به وجود رضایت است و از این جهت بیان شده که رضایت طرفین «شالوده» صلاحیت ایکسید است (Boddicker, 2010: 1043). کنوانسیون همچنین در احراز رضایت برای احراز قید صلاحیت بر اختلافات خاص تأکید دارد و البته چنین رضایتی می‌تواند یا از طریق حقوق بین‌الملل عمومی مانند معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، یا مقررات دولت میزبان سرمایه و یا در تسلیم ادعا به مرکز داوری ایکسید احراز شود (Rajput, 2021: 37). لازم به ذکر است رضایت [به داوری] باید به‌گونه‌ای بیان شود که هیچ شکی در احراز آن باقی نماند (Kulick and Waibel, 2024: 574) و از این جهت باید ثابت شود دولت

خواننده پرونده به نحو مؤثری به (انجام) داوری در مورد اختلاف سرمایه‌گذاری خارجی یا ادعاهای مطرح شده توسط یک سرمایه‌گذار خارجی رضایت داشته است (Gómez and Titi, 2024: 28).

رویه داوری نیز در پرونده‌های متعدد به این مهم تأکید کرده است. در این راستا، دیوان داوری بیان کرد «برای اینکه خواهان از حمایت قضایی اعطا شده توسط مکانیسم داوری بهره‌مند شود، شرط رضایت وجود دارد: دولت (میزبان سرمایه) باید با چنین رویه‌ای موافقت کرده باشد که به سرمایه‌گذار خارجی اجازه دهد مستقیماً از دولت در سطح بین‌المللی شکایت کند» (Mayorga, 2017: 16). البته در این رابطه خاطر نشان شده که سرمایه‌گذاری‌های با نیت بد را نمی‌توان با عنصر رضایت دولت‌های عضو کنوانسیون پوشش داد (Fontanelli, 2017: 87) و علاوه بر این در پرتو قاعده منع سوءاستفاده از روند و در جهت طرح دفاعیات از ناحیه دولت میزبان سرمایه در پرونده‌های مرتبط با تغییر سرمایه‌گذاری یا تغییر ساختار شرکت‌ها بیان شده در این موارد، دولت‌های خواننده غالباً ادعا می‌کنند که ایجاد شرکت‌ها (صرفاً) برای دسترسی به داوری سرمایه‌گذاری و در واقع به منزله «سوءاستفاده از سیستم ایکسید» بوده است که بر مبنای آن‌ها تجدید ساختار شرکتی صرفاً در جهت دسترسی به داوری سرمایه‌گذاری ایکسید و آنچه (معمولاً) در معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه نسبت به آن توافق شده، صورت گرفته است و در نتیجه، چنین سرمایه‌گذاری‌هایی مشمول رضایت دولت میزبان نیستند؛ زیرا مفاد رضایت دولت میزبان به انعقاد معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه و همچنین رضایت به داوری ایکسید مشمول فرضی که از طریق تجدید ساختار شرکتی با سوءاستفاده از روند دادرسی طرف دعوا مواجه شده‌اند، نخواهد شد. در این راستا به‌طور مثال، در پرونده‌های متعدد^۲ دادگاه‌ها در پاسخ به این سؤال که آیا ایجاد (تغییر

1. ST-AD GmbH v The Republic of Bulgaria, P.C.A. Case No. 2011-06 (ST-BG), Award on Jurisdiction (July 18, 2013) 336

2. Autopista Concesionada de Venezuela. C.A v. Bolivarian Republic of Venezuela. ICSID Case ARB/00/5. Decision on Jurisdiction, 27 September 2001. and Tokios

ساختار) شرکت‌های خارجی صرفاً عملیاتی برای دسترسی به داوری سرمایه‌گذاری بوده یا خیر؟ به این نتیجه رسیده‌اند که ایجاد یا تجدید ساختار با «نیت بد» توسط یک شرکت خارجی، برای دسترسی به داوری سرمایه‌گذاری ایکسید با ادعای احراز عنصر رضایت ابراز شده از سوی دولت‌هایی که هم کنوانسیون ایکسید و هم معاهده سرمایه‌گذاری قابل‌اعمال را امضاء کرده‌اند، برآورده نمی‌شود (De Brabandere, 2012: 14). در واقع بر مبنای این استدلال آنچه مبرهن است احراز قید رضایت دولت میزبان سرمایه در پیوستن به کنوانسیون ایکسید و امضا معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری مربوطه، در فرض تحقق عنصر سوءاستفاده از روند، احراز نخواهد شد؛ زیرا دامنه رضایت دولت‌های میزبان سرمایه به فرض تحقق سوءاستفاده روند تسری پیدا نخواهد کرد و در چنین فرضی، عملاً از عنصر رضایت دولت میزبان به عنوان یک دولت متعاقد، سوءاستفاده شده و در این خصوص، تحلیل اراده دولت‌های میزبان سرمایه نشان می‌دهد رضایت آن‌ها در فرض وجود سرمایه‌گذار واقعی بوده است و نه در موقعیتی که تحصیل صلاحیت از طریق سوءاستفاده از روند داوری، صورت پذیرفته است.

۳-۱-۴. قید وجود صلاحیت موضوعی

معیار دیگر مرتبط با احراز وجود قرارداد سرمایه‌گذاری در داوری‌های ایکسید که می‌تواند در پرتو سوءاستفاده از روند تحقق یابد، ضرورت احراز صلاحیت موضوعی است. مطابق این معیار، صلاحیت مرکز داوری ایکسید تنها در رابطه با موضوعاتی است که «اختلافات حقوقی» آن‌ها «مستقیماً از یک سرمایه‌گذاری» ناشی شده باشد (Tabari, 2016: 112)؛ بنابراین این معیار هم اشاره به ماهیت و هم موضوع اختلاف دارد (Billiet, 2016: 220). در رابطه با ماهیت اختلاف اولاً، حتماً باید اختلافی وجود داشته باشد و ثانیاً، نوع این اختلاف حتماً باید یک اختلاف حقوقی باشد. برای احراز وجود

اختلاف، محاکم ایکسید عملاً تعریفی از اختلاف که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری ایجاد شده را پذیرفته‌اند.^۱

مطابق نظر دیوان، اختلاف عبارت است از «اختلاف در مورد یک قانون یا حقیقت، (وجود) تضاد بین دیدگاه‌های حقوقی یا بین منافع طرفین»^۲. گرهارد هافتر این تعاریف را بسیار گسترده و در عین حال بسیار محدود توصیف کرده و البته نگاهی به رویه قضایی نیز دیدگاه او را تأیید می‌کند. در واقع اینکه آیا یک اختلاف به معنای فنی وجود دارد یا خیر، بسیار پیچیده‌تر از آن است که این تعاریف آن را نشان می‌دهد. به طور مثال این پرسش را می‌توان مطرح کرد که وجود اختلاف و به تبع آن وجود صلاحیت برای رسیدگی محاکم بین‌المللی، آیا وابسته به وجود مواضع مخالف است و اگر چنین باشد اگر خواننده ادعای مدعی را به سادگی تصدیق کند و ولی نتواند راه‌حلی برای آن ارائه کند، آیا عنصر وجود «اختلاف» محقق شده است؟ در این زمینه باید بیان کنیم صرف پذیرش مسئولیت نمی‌تواند دفاع معتبری در دعاوی حقوقی باشد و در نتیجه نمی‌تواند از دادگاه یا دیوان داوری سلب صلاحیت کند؛ زیرا در این شرایط، عدم وجود اختلاف آشکار بین طرفین، نافی وجود اختلاف نیست. در همین راستا می‌توان به پرونده AGIP علیه دولت کنگو اشاره کرد که در آن دولت با نقض توافقات قبلی، دارایی‌های شاکی را بدون پرداخت غرامت سلب مالکیت کرده بود. قبل از برگزاری دیوان ایکسید، دولت

1. *Maffezini v. Spain*, Decision on Jurisdiction of 25 January 2000, 40 ILM 1129, at paras. 93, 94 (2001); *Tokios Tokelès v. Ukraine*, Decision on Jurisdiction of 29 April 2004, at paras. 106, 107; *Lucchetti v. Peru*, Award of 7 February 2005, at para. 48; *Impregilo v. Pakistan*, Decision on Jurisdiction of 22 April 2005, at paras. 302, 303; *AES v. Argentina*, Decision on Jurisdiction of 26 April 2005, at para. 43; *El Paso Energy Intl. Co. v. Argentina*, Decision on Jurisdiction of 27 April 2006, at para. 61; *Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona S.A., and InterAguas Servicios Integrales del Agua S.A. v. Argentina*, Decision on Jurisdiction of 16 May 2006, at para. 29; *M.C.I. v. Ecuador*, Award of 31 July 2007, at para. 63.

2. Disagreement on a point of law or fact, a conflict of legal views or interests between parties

3. *Mavrommatis Palestine Concessions (Greece v. Great Britain)*, Judgment of 30 August 1924, 1924 PCIJ (Ser. A) No. 2, at 11.

اعلام کرد از آنجایی که اصل غرامت (مورد ادعای شاکی) را به رسمیت شناخته است بنابراین دیگر هیچ اختلافی وجود ندارد.

با این وجود، دیوان دریافت که اعلامیه‌های ارائه شده توسط دولت به قدری فاقد دقت هستند که تردیدی در استمرار اختلاف وجود ندارد و علاوه بر این بیان کرد تاکنون شاکی هیچ غرامتی دریافت نکرده است^۱ (Schreue, 2009: 964). علاوه بر این، به این مهم تصریح شده که صرف وجود اختلاف کافی نیست بلکه اختلاف باید حتماً حقوقی باشد و اختلاف حقوقی ایجاد شده باید مرتبط با استیفای حقوق و تعهدات قانونی باشد (Nedeva, 2024: 189). در این راستا تأکید شده اختلافات در صورتی «اختلافات حقوقی» هستند که «به وجود یا دامنه یک حق یا تعهد قانونی، یا ماهیت یا میزان جبران خسارتی که به دلیل نقض تعهد حقوقی ایجاد شده، مربوط باشد» (Garay, 2017: 406). لازم به ذکر است تشخیص ماهیت حقوقی اختلافات باعث ایجاد بحث‌هایی در تهیه پیش‌نویس کنوانسیون ایکسید شده بود. در این خصوص، مطابق گزارش مدیران اجرایی هرچند از عبارت «اختلاف حقوقی» برای روشن کردن این موضوع استفاده شده، با این وجود (باید توجه داشت) این اختلاف حقوقی است که در صلاحیت مرکز است و نه صرف تضاد منافع؛ زیرا دعوا باید به وجود یا دامنه یک حق یا تعهد قانونی یا ماهیت یا میزان جبران خسارتی که برای نقض یک تعهد قانونی در نظر گرفته شده بپردازد^۲ (Schreuer, 2009: 968). علاوه بر عناصر فوق، موارد دیگری برای احراز قید صلاحیت موضوعی نیز بیان شده‌اند. در این راستا به شرط «مستقیم بودن دعوی حقوقی»^۳ نیز به عنوان یکی از شرایط تحقق قید صلاحیت موضوعی اشاره

1. AGIP v. Congo, Award of 30 November 1979, 1 ICSID Rep. 306 (1993).

2. Report of the Executive Directors on the Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States (18 March 1965), adopted by Resolution No. 214 of the Board of Governors of the International Bank for Reconstruction and Development on 10 September 1964, 1 ICSID Rep. 23, at 28 (1993).

3. the directness of the legal dispute

شده است. البته این معیار به ارتباط بین دعوی حقوقی مطروحه با سرمایه‌گذاری اشاره دارد و نه نفس انجام سرمایه‌گذاری. به‌عنوان مثال، دیوان داوری در پرونده فداکس علیه ونزوئلا استدلال خوانده مبنی بر اینکه اسناد بدهی صادر شده توسط ونزوئلا، شرط «مستقیم بودن» را برآورده نمی‌سازد، نپذیرفت.

در این پرونده، دیوان تشخیص داد صلاحیت قضایی می‌تواند حتی در رابطه با سرمایه‌گذاری‌هایی که مستقیم نیستند تا زمانی که اختلاف به وجود آمده مستقیماً از چنین معامله‌ای نشأت می‌گیرد گسترش یابد.^۱ آخرین عنصری که در جهت احراز صلاحیت موضوعی دیوان ایکسید به آن اشاره شده الزام وجود «سرمایه‌گذاری» است. در این زمینه باید بیان کنیم که یکی از بحث‌برانگیزترین معیارها در رابطه با نحوه تحقق سرمایه‌گذاری تحت قواعد کنوانسیون، احراز وجود «سرمایه‌گذاری» مورد تأیید کنوانسیون ایکسید است که در آرای داوری و در میان حقوقدانان بسیار بحث‌برانگیز است. مشکل اصلی در این رابطه، عدم تعریف مفهوم «سرمایه‌گذاری» در کنوانسیون ایکسید است. در این خصوص تصریح شده که کنوانسیون ایکسید در مورد تعریف سرمایه‌گذاری ساکت است. در خصوص چرایی سکوت کنوانسیون دو دیدگاه وجود دارد؛ بر مبنای دیدگاه نخست دلیل عدم تعریف سرمایه‌گذاری، یک خلأ ناخواسته است زیرا در نظر تدوین‌کنندگان کنوانسیون، این مفهوم به عنوان یک موضوع واضح نیاز به تفسیر گسترده نداشته است (Viñuales and Waibel, 2021: 3). بر مبنای دیدگاه دوم و بر اساس گزارش مدیران اجرایی، تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قصد داشته‌اند نقشی محوری به رضایت طرفین بدهند (Billiet and Benini, 2016: 222) و از این جهت کنوانسیون در واقع قصد داشته دولت‌های متعاقد در تعیین اینکه چه چیزی متضمن مفهوم یک سرمایه‌گذاری است، آزاد باشند. در این راستا به‌طور مثال، در پرونده اس

1. Citing *Fedax v. Venezuela*, ICSID Case No. ARB/96/3, Decision on Jurisdiction, 24 (June 11, 1997).
 2. existence of an investment

جی اس علیه پاکستان^۱ محکمه بیان کرد فقدان تعریف از سرمایه‌گذاری در کنوانسیون «... برای طرفین قرارداد، آزادی زیادی برای تعریف این اصطلاح باقی گذاشته است...» (Petsche, 2024: 44-45). صرف‌نظر از وجود اختلاف‌نظرها در این تعریف، رویه داوری در پرونده‌های مختلف سعی در پر کردن این خلأ کرده که از مهم‌ترین این پرونده‌ها، پرونده سالینی علیه مراکش^۲ (مشهور به معیار سالینی) است که وجود چهار عنصر برای احراز مفهوم سرمایه‌گذاری را الزامی دانسته است که عبارت‌اند از: «سهم پول^۳ (فعالیت موردنظر تعهد مالی داشته باشد)، زمان معین^۴ (در بازه زمانی معینی پروژه انجام شود)، عنصر ریسک^۵ (سرمایه‌گذار باید در ریسک فعالیت اقتصادی شریک باشد) و کمک به توسعه دولت میزبان»^۶ (Shapiro, Lalani, Heath, 2023: 164). صرف‌نظر از تعاریف متعدد از واژه سرمایه‌گذاری، آنچه در پرتو قاعده منع سوءاستفاده از روند دادرسی باید به آن توجه کرد این است که دیوان در پرونده‌های متعدد از جمله در پرونده فونیکس اکشن علیه جمهوری چک به آن تصریح کرده است که «دیوان باید از سوءاستفاده از سیستم حمایت از سرمایه‌گذاری بین‌المللی تحت کنوانسیون ایکسید جلوگیری کند و اطمینان حاصل کند که تنها سرمایه‌گذاری‌هایی که مطابق با اصل بین‌المللی حسن نیت انجام می‌شوند و سعی در سوءاستفاده از سیستم ندارند، محافظت خواهند شد»^۷ (De Brabandere, 2012: 17).

1. SGS Société Générale De Surveillance S.A. V. Islamic Republic Of Pakistan, ICSID Case No. ARB/01/13(2003).

2. Salini Costruttori S.P.A. And Italstrade S.P.A. V. Kingdom Of Morocco, ICSID Case No. ARB/00/4, Decision On Jurisdiction, 2001.

3. A Contribution Of Money

4. A Certain Duration

5. An Element Of Risk

6. Salini Costruttori S.P.A. And Italstrade S.P.A. V. Kingdom Of Morocco, ICSID Case No. ARB/00/4, Decision On Jurisdiction, 52 (July 23, 2001).

7. Phoenix Action Ltd V. Czech Republic (ICSID Case No. ARB/06/5, Award, 15 April 2009).

دیوان در این پرونده، با اتکا به معیار چهارم بیان شده در پرونده سالینی یعنی «کمک به توسعه دولت میزبان» تجدید ساختار شرکت خواهان را از مصادیق سوءاستفاده از روند تلقی کرد. لازم به ذکر است برخی از حقوقدانان بر این اعتقادند که با توجه به وجود اختلافات در تعریف دقیق از مفهوم سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تشخیص پرونده‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی و در جهت تحلیل صحیح اراده خواهان‌های پرونده، مخرج مشترک تعریف سرمایه‌گذاری بین‌المللی را باید معیار «کمک به توسعه دولت میزبان» دانست (رضوی و رضا قلی، ۱۴۰۳: ۱۴۴۱). این معیار که در پرونده فونیکس اکشن علیه جمهوری چک نیز به آن پرداخته شد، یکی از مهم‌ترین و البته بحث‌برانگیزترین معیارها در تحلیل اراده سرمایه‌گذار در انجام یک سرمایه‌گذاری واقعی است.

در پرونده فونیکس اکشن علیه جمهوری چک حقایق بدین نحو بود که سهام شرکتی با تابعیت جمهوری چک به شرکتی که تابعیت دولت دیگر را داشت و متعلق به همسر این تبعه چک بود منتقل شد. محکمه درگیر بحث گسترده‌ای در رابطه با کاربرد و نقش «حسن نیت» در حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی شد. دیوان بر این اعتقاد بود که نمی‌توان تصور کرد کشورها دسترسی به مکانیسم حل اختلاف کنوانسیون ایکسید را برای سرمایه‌گذاری‌هایی که با حسن نیت انجام نشده، داشته باشند. از این جهت، در صورتی که چنین حمایتی مغایر با اصول کلی حقوق بین‌الملل باشد که در میان آن‌ها اصل حسن نیت از اهمیت بالایی برخوردار است، حمایت از داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی را نمی‌تواند اعطا کرد.

در این پرونده دیوان متذکر شد، شواهد نشان می‌دهد خواهان، «سرمایه‌گذاری» را نه به منظور شرکت در فعالیت اقتصادی بلکه صرفاً به منظور طرح دعوی بین‌المللی علیه جمهوری چک (با تغییر ساختار) انجام داده و از این جهت هدف ویژه «سرمایه‌گذاری» تبدیل یک اختلاف داخلی به یک اختلاف بین‌المللی بوده تا بتواند تحت داوری ایکسید و تحت معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه قرار گیرد. چنین اقدامی (تغییر ساختاری شرکت

فونیکس اکشن) یک معامله با حسن نیت تلقی نمی‌شود و از این جهت نمی‌تواند به عنوان یک سرمایه‌گذاری محافظت شده تحت سیستم ایکسید در نظر گرفته شود. (دیوان همچنین بیان کرد) عناصر تجزیه و تحلیل شده منتج به نتیجه یکسانی در مورد سوءاستفاده از حقوق می‌شود و در اینجا سوءاستفاده را می‌توان نوعی «سوءاستفاده از روند» نامید که متضمن ایجاد یک سناریوی حقوقی توسط خواهان، به منظور دسترسی به یک رویه داوری بین‌المللی است که حق (ورود به) آن را نداشته است (De Brabandere, 2012: 16-17).

از این جهت از آنجایی که یکی از قیود مرتبط با احراز صلاحیت موضوعی، قید کمک به توسعه اقتصادی کشور میزبان است که بر مبنای آن سرمایه‌گذاری باید در توسعه کشور میزبان ایفای نقش کرده باشد و صرفاً کسب سود کفایت نمی‌کند، این عنصر نقش محوری در پذیرش (صلاحیت موضوعی) شخص حقیقی یا حقوقی به عنوان سرمایه‌گذار دارد (برزگر زاده، ۱۴۰۱: ۶۷۸)؛ بنابراین در فرضی که هدف از تغییر ساختار شرکتی بجای انجام سرمایه‌گذاری در جهت تحقق توسعه اقتصادی کشور میزبان، در جهت استفاده از تضامین یک معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری خاص باشد، دیوان عملاً صلاحیت موضوعی برای رسیدگی به چنین دعاوی را به دلیل تحقق سوءاستفاده از روند نخواهد داشت؛ بنابراین دولت‌های که به عنوان خواننده در دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی قرار می‌گیرند می‌توانند به استناد به فقدان صلاحیت موضوعی، از محاکم داوری تقاضای رد دعاوی خواهان را کنند.

۴-۱-۴. قید صلاحیت زمانی

یکی از مهم‌ترین موارد مرتبط با تغییر ساختار شرکتی در جهت احراز سوءنیت خواهان پرونده، مرتبط با احراز قید صلاحیت زمانی است. در چنین مواردی یک شرکت که تحت

حمایت یک معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری بین دولت‌های متعاقد قرار ندارد، در زمانی که اختلاف محقق شده یا وقوع آن محتمل است با تغییر ساختار شرکت از طریق تغییر تابعیت و یا تحصیل تابعیت جدید، اقدام به طرح دادخواهی علیه کشور میزبان سرمایه می‌کند تا از مزایای معاهده دوجانبه مربوطه من غیر حق بهره‌مند شود که در چنین مواردی با ایراد مرتبط با قید صلاحیت زمانی مواجه می‌شود. در این خصوص قاعده مبنایی این است که معاهدات باید در رابطه با اعمال یا رویدادهایی حاکم باشند که پس از لازم‌الاجرا شدن آن‌ها رخ داده است. از این جهت برای اینکه یک محکمه بتواند قید صلاحیت زمانی را احراز کند، «باید کنوانسیون ایکسید در زمان مربوطه قابل اجرا باشد»^۱. این اصل در ماده ۲۸ کنوانسیون وین در حقوق معاهدات بدین نحو بیان شده که به استثنای مواردی که از معاهده یا از طرق دیگر قصد دیگری استنباط می‌شود، مقررات یک معاهده برای یک طرف در ارتباط با عمل حقوقی یا واقعه‌ای که قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده صورت گرفته یا وضعیتی که قبل از زمان لازم‌الاجرا شدن معاهده خاتمه یافته باشد، تعهدآور نیست (Garay, 2007:407). لازم به ذکر است برای احراز معیار صلاحیت زمانی تنها تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده کفایت نمی‌کند بلکه سرمایه‌گذار در زمانی که اختلاف ایجاد شده باید یکی از طرفین معاهده باشد. در جهت تحقق این وضعیت، سرمایه‌گذار به‌طور مثال می‌بایستی در کشور ثالث یک شرکت فرعی تأسیس کرده و سرمایه‌گذاری را از طریق آن شرکت در کشور میزبان انجام داده باشد. این شرکت جدیدالتأسیس تنها می‌تواند برای اختلافات ایجاد شده با دولت میزبان پس از برنامه‌ریزی تابعیت^۲ که آن را یک سرمایه‌گذار واجد شرایط تابعیتی ذیل معاهده مربوطه کرده است به داوری مراجعه کند (سعیدی و عسکری، ۱۴۰۱: ۱۰۷). از این جهت

1. Phoenix Action, Ltd. v. The Czech Republic, ICSID Case No. ARB/06/5, Award, 54 (Apr. 15, 2009).
 2. Nationality Planning

صلاحیت زمانی در واقع اشاره به دوره زمانی دارد که قبل از آن، حمایت‌های ارائه شده توسط معاهده سرمایه‌گذاری بین‌المللی قابل اعمال نباشد (Martínez, 2019: 6).^۱

بنابراین هرگونه تغییر ساختار شرکتی به منظور دستیابی به حمایت‌های یک معاهده سرمایه‌گذاری تحت داوری ایکسید، در صورتی که با هدف ایجاد صلاحیت قضایی برای شرکتی باشد که در شرایط عادی نمی‌توانسته از نظر زمانی از مزایای معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری استفاده کند، می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق عنوان سوءاستفاده از روند محسوب شود و طبیعتاً در صورت عدم احراز صلاحیت زمانی، ادعای مطروحه پذیرفته نخواهد شد. در این خصوص آنچه مبرهن است قید صلاحیت زمانی از سوی محاکم داوری به عنوان معیاری در احراز مفهوم سوءاستفاده از روند به کار گرفته شده و با استناد به آن محاکم داوری می‌توانند در تحلیل حقایق اختلاف مطروحه، در صورتی که تغییر ساختار شرکتی در زمان تحقق یا قابلیت پیش‌بینی بودن طرح اختلاف صورت گرفته باشد، از پذیرش صلاحیت خود برای رسیدگی به چنین دعوایی امتناع کنند؛ بنابراین الزام صلاحیت زمانی را می‌توان به عنوان قیدی در جهت تمایز بین تجدید ساختار سرمایه‌گذاری قانونی از غیرقانونی توصیف کرد که بر مبنای آن می‌توان نیت و قصد مالکان شرکت‌هایی که در موقعیت خواهان در پرونده‌های سرمایه‌گذاری قرار گرفته‌اند را از زمان انجام تغییر ساختار شرکت احراز کرد.

فرجام سخن

معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری با هدف ترویج سرمایه‌گذاری بین‌المللی از طریق ایجاد مشوق‌ها و در نظر گرفتن تضامین برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی از یک طرف و از طرف دیگر انجام سرمایه‌گذاری واقعی در کشورهای میزبان سرمایه که در عمل به رشد و توسعه چنین کشورهای کمک می‌کنند منعقد می‌شوند. از این جهت در فرض تحقق

1. The Definition of "Investment" in the Interplay Between IIAs and the ICSID Convention: Revisiting the Double-Barrelled Approach

تغییر ساختار شرکتی با هدف سوءاستفاده از روند که بر مبنای آن سرمایه‌گذاران شرکتی از طریق تغییر ساختار شرکت، درصدد سوءاستفاده از مزایا و حمایت‌های پیش‌بینی شده تحت کنوانسیون ایکسید و یک معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری هستند، بدیهی است دولت‌های خواننده در مقابل طرح چنین ادعاهایی با استناد به مبانی مختلف، به صلاحیت دیوان داوری اعتراض کنند. در این خصوص علاوه بر تحلیل‌های ارائه شده در استناد به اصل بین‌المللی حسن نیت و قاعده منع سوءاستفاده از حق، رویه داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی تحت کنوانسیون ایکسید نیز در پرتو ماده ۲۵ کنوانسیون نشان داده آراء متعددی در ممنوعیت تغییر ساختار شرکتی در فرض سوءاستفاده از این قابلیت صادر شده است. البته در این خصوص باید توجه داشت هرچند عملیات تغییر ساختار شرکتی در موقعیت‌های متعدد می‌تواند اقدامی مفید و سودمند از لحاظ اقتصادی محسوب شود، با این وجود در فرضی که محاکم داوری به این نتیجه برسند که هدف از این تغییر ساختار، تحصیل صلاحیت طرح دعوا برای اختلافاتی بوده که خواهان استحقاق استناد به آن را در وضعیت قبل از تغییر ساختار نداشته، چنین اقدامی به عنوان عملی که با هدف رجوع به نهاد داوری در کنوانسیون ایکسید و همچنین انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری در تعارض است، تلقی خواهد شد و از این جهت محاکم داوری از پذیرش چنین ادعاهایی خودداری می‌کنند.

در این خصوص با توجه به احکام مندرج در ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید، تحلیل قیود مرتبط با احراز صلاحیت محاکم داوری، از جهات مختلف در احراز مفهوم سوءاستفاده از روند مؤثر هستند. وجود الزاماتی همانند لزوم احراز صلاحیت شخصی، صلاحیت موضوعی، صلاحیت زمانی و قید رضایت از جمله مواردی هستند که می‌توان با تحلیل حقایق پرونده‌های بر مبنای این قیود، موارد مرتبط با سوءاستفاده از روند را احراز کرد. از این جهت در فرضی که دولت میزبان سرمایه به عنوان خواننده پرونده به صلاحیت دیوان داوری برای رسیدگی به دعوی مطروحه، به استناد تحقق سوءاستفاده از روند اعتراض می‌کند، از جهات مختلف موارد مرتبط با صلاحیت محاکم داوری در

کنار قاعده منع سوءاستفاده از حق و نقص تکلیف حسن نیت می‌تواند محاکم داوری را انجام قضاوتی شایسته یاری کند. در این خصوص، به‌طور مثال تحلیل‌های ارائه شده در پرونده رنه رز لویی علیه دولت پرو نشان داد در فرض احراز تغییر ساختار در شرکت که با هدف ایجاد صلاحیت برای طرح دعوا در مرکز داوری ایکسید انجام شده، قید صلاحیت زمانی امکان استناد به صلاحیت داوری مرکز را به خواهان پرونده نداده؛ زیرا در نظر محکمه داوری تنها هدف از این اقدام، دسترسی به داوری علیه دولت میزبان سرمایه بوده است و یا در پرونده فونیکس اکشن علیه جمهوری چک، محکمه داوری به سبب عدم احراز قیود صلاحیت موضوعی بیان کرد «سرمایه‌گذاری» خواهان نه به منظور شرکت در یک فعالیت اقتصادی بلکه صرفاً به منظور طرح دعوی بین‌المللی علیه جمهوری چک انجام شده است؛ بنابراین بررسی رویه‌های داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی در کنار مباحث نظری مرتبط با ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید نشان می‌دهد که محاکم داوری با هدف جلوگیری از تحقق سوءاستفاده از روند دیوان داوری، همگام با اهداف ترسیم شده برای سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در حمایت از سرمایه‌گذاران واقعی، اجازه سوءاستفاده از فرآیند داوری علیه کشور میزبان سرمایه را نداده‌اند.

منابع

- برزگرزاده، عباس (۱۴۰۱). تأثیر سوءاستفاده از دادرسی و حق در رسیدگی‌های مقدماتی و ماهوی ایکسید، نشریه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۱(۱)، ۶۰-۱۱.
- برزگرزاده، عباس (۱۴۰۱). ابطال رأی داوری در ایکسید به سبب تجاوز آشکار از حدود اختیارات، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۵۲(۴)، ۶۹۲-۶۶۹.
- حاتمی، سیمای؛ رحیمی، فتح‌اله (۱۴۰۱). اثر فروم شاپینگ در منافع طرفین دعوی و عدالت قضایی، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، ۵(۱۸)، ۶۹-۲۴.
- رضوی طوسی، لیلا؛ سیفی، سید جمال؛ محبی، محسن (۱۴۰۲). سوءاستفاده از جریان رسیدگی در داوری‌های سرمایه‌گذاری، مطالعات حقوق عمومی، ۵۳(۱)، ۲۸۶-۲۶۷.

رضوی، سید محمدحسن؛ رضا قلی، مهسا (۱۴۰۳). تعهد سرمایه‌گذار خارجی به توسعه اقتصادی دولت میزبان در انطباق با مفهوم توسعه پایدار، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۴ (۳)، ۱۴۵۹-۱۴۳۶.

سعیدی، نیلوفر؛ عسکری، پوریا (۱۴۰۱). نقش دکترین سوءاستفاده از حق و صلاحیت زمانی مراجع داوری سرمایه‌گذاری در مقابله با برنامه‌ریزی تابعیت، پژوهش حقوق عمومی، ۲۳ (۷۴)، ۱۰۷-۱۴۱.

کریمی، محمد؛ کاشانی، جواد؛ عرب احمدی، مجید رضا (۱۴۰۰). تحلیلی بر نقش حسن نیت در جلوگیری از رفتار فرصت‌طلبانه در حقوق قراردادهای دانش حقوق مدنی، ۱۱ (۲)، ۲۰-۱.

References

- Aksar, Y. (Ed.). (2011). *Implementing international economic law: Through dispute settlement mechanisms* (Vol. 6). Martinus Nijhoff Publishers.
- Armand, L. C., & Mestral, D. (2013). *Improving international investment agreements* (Vol. 20). A. L. De Mestral, & C. Lévesque (Eds.). Routledge.
- Baetens, F. (2019). Agents of Cross-Fertilization: Abusive Forum Shopping or Legitimate Forum Choice? *Beyond Fragmentation: Competition and Collaboration Among International Courts and Tribunals* (Cambridge University Press 2020).
- Barzegarzadeh, A. (2022). The impact of abuse of process and rights in preliminary and substantive proceedings ICSID, *Scientific Journal of Civil Law Knowledge*, 11(1), 60-11.
- Barzegarzadeh, A. (2022). Annulment of ICSID arbitration award of the manifest excess of powers, *Quarterly Journal of Private Law Studies*, 52 (4), 692-669
- Billiet, J. (2016). *International investment arbitration: a practical handbook*. Maklu.
- Boddicker, J. M. (2009). Whose Dictionary Controls? Recent Challenges to the Term "Investment" in ICSID Arbitration. *Am. U. Int'l L. Rev.*, 25, 1031.
- Branson, J. D. (2021). The Abuse of Process Doctrine Extended: A Tool for Right Thinking People in International Arbitration. *Journal of International Arbitration*, 38(2).
- Collins, D. (2025), *Foundations of International Economic Law*, Second Edition, Edward Elgar Publishing.
- De Brabandere, E. (2012). 'Good faith', abuse of process' and the initiation of investment treaty claims. *Journal of International Dispute Settlement*, 3(3), 609-636.
- Fontanelli, F. (2017). Jurisdiction and admissibility in investment arbitration: the practice and the theory. *Brill Research Perspectives in International Investment Law and Arbitration*, 1(3-4), 1-193.

- Gaillard, E. (2017). Abuse of process in international arbitration. *ICSID Review-Foreign Investment Law Journal*, 32(1), 17-37.
- Garay, J. (2017). Abuse of process through corporate restructuring of assets: the legal standard for the multinational investor. *BU Int'l LJ*, 35, 397.
- Garibaldi, O. M. (2021). Abuse of Rights in Investment Disputes: A Critical Analysis. *Arbitraje. Revista de Arbitraje Comercial y de Inversiones*, 13(1).
- Giorgetti, C., & Pollack, M. (Eds.). (2022). *Beyond Fragmentation*. Cambridge University Press.
- Gómez, K., Titi, C. (2024). *The Award in International Investment Arbitration*. OUP Oxford.
- Hatami, S.; Rahimi, F. (2022). 'Forum shopping' effect on the interests of the litigants and judicial justice, *Quarterly Journal of Adl va Ensaf Comparative Law Research*, 5(18), 69-24. [In Persian]
- Horn of Rantzien, H., & Mavroidis, P. C. (2006). *The WTO Case Law of 2003, The American Law Institute Reporters' Studies*. Cambridge University Press.
- Junngam, N., & Tangkiriphimarn, A. (2019). The Doctrine of Abuse of Rights and Corporate Restructuring: Subtle Demarcation between Legitimate and Abusive Exercises of Rights to Access International Investment Arbitration. Available at SSRN 3857561.
- Karabiyik, Ü. (2022). Abusive Conduct in Investor-State Arbitration: A Focus on Frivolous Claims. *Adalet Dergisi*, 2022(68), 487-512.
- Karimi, M.; Kashani, J.; Arab Ahmadi, M.R. (2014). An analysis of the role of good faith in preventing opportunistic behavior in contract law. *Civil Law Knowledge*, 11(2), 1-20. [In Persian]
- Kulick, A., Waibel, M. (2024). *Investment Law A Commentary*. OUP Oxford.
- Mayorga, O. J. (2020). Occupants, beware of BITs: applicability of investment treaties to occupied territories. *The Palestine Yearbook of International Law Online*, 19(1), 136-176.
- Mskhviliidze, T. (2023). The Legal Nature of Forum Shopping in International Civil Procedure Law. *Law & World*, 25, 93.
- Nedeva, S. (2024). *Predictability in oil and gas investment agreements: Balancing interests for a stable investment environment*. Edward Elgar Publishing.
- Oshisanya, I. (2024), *An Almanac of Contemporary Characterisation of Judicial Restatements -Annotated with Treaties, Statutes, Rules and Commentaries JuriScience*. Almanac Foundation.

- Oshitokunbo Oshisanya, Lai (2025). *An Almanac of Contemporary Characterisation of Judicial Restatements -Annotated with Treaties, Statutes, Rules and Commentaries JuriScience*, Almanac Foundation.
- Petsche, M. (2024). *The Concept of Investment in ICSID Arbitration*. Oxford University Press.
- Poulton, E., Kryvoi, Y., Finkel, E., & Bednarz, J. (2020). Empirical study: corporate restructuring and investment treaty protections. *Ed Poulton, Yarik Kryvoi, Ekaterina Finkel and Janek Bednarz, Corporate Restructuring and Investment Treaty Protections, BIICL/Baker McKenzie, London*.
- Razavi Toosi, L.; Seifi, S.; Mohebbi, M. (2023). *Abuse of the Process in Investment Arbitrations*, Public Law Studies, 53(1), 286-267.
- Razavi, S.; Rezagholi, M. (2024). Foreign Investors' Commitment to the Economic Development of the Host State in Line with the Concept of Sustainable Development, *Quarterly Journal of Public Law Studies*, 54 (3), 1436-1459.
- Rajput, A. (2021). *Handbook on Investment Arbitration in India*. Centre for Arbitration and Research, Maharashtra National Law University Mumbai.
- Saedi, N.; Askari, P. (2014). The role of the doctrine of abuse of rights and temporal jurisdiction of investment arbitration authorities in confronting citizenship planning. *Public Law Research*, 23(74), 107-141. [In Persian]
- Schreuer, C. (2009). What is a Legal Dispute? TDM 1 (2009), in Investor-State Disputes. *International Investment Law*, 1, 959-979.
- Shapiro, S., Lalani, S., & Heath, D. (Eds.). (2023). *Hospitality & Construction Disputes Post-Covid* (Vol. 6). Brill.
- Tabari, N. M. (2016). *Lex Petrolea and international investment law: law and practice in the Persian Gulf*. Informa Law from Routledge.
- Viñuales, J., & Waibel, M. (Eds.). (2021). *ICSID Reports: Volume 19* (Vol. 19). Cambridge University Press.
- Voon, T., Mitchell, A., & Munro, J. (2014). Legal responses to corporate Manoeuvring in international investment arbitration. *Journal of International Dispute Settlement*, 5(1), 41-68.
- Wahab, M. S. A., & Duggal, K. (2022). The Resurgence of the Unified Arab Investment Agreement and the Organisation for Islamic Cooperation Investment Agreement: A Dawn of a New Chapter on Investment Protection? *Brill Research Perspectives in International Investment Law and Arbitration*, 4(1-2), 1-88.
- Ziccardi Capaldo, G. (2024), *The Global Community Yearbook of International Law and Jurisprudence 2023 Global Law, Politics, Ethics, Justice*, Oxford University Press, Incorporated.